

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان
سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ هـ ش/۲۰۱۴ م

مواجهه‌ی مفسران با ادات حصر در آیه‌ی «تطهیر»*

محمدکاظم شاکر

استاد دانشگاه قم

فاطمه‌سادات موسوی

کارشناس‌ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم

چکیده

یکی از مباحث ادبی که در تفسیر درست برخی از آیات بسیار مهم می‌نماید؛ بحث از ادات «حصر» است. چرا که اگر به وضع حقیقی و هدف اصلی قرار گرفتن این ادات در آیات توجه نشود، چه بسا تفسیر آیه و مراد خداوند از قرار دادن این ادات در آیات، مخفی بماند و مفسر در تفسیر به بیراهه رود و حقیقت بر مخاطبین پوشیده بماند. این نوشتار مروری است بر برخورد مفسران و صاحب‌نظران مشهور شیعه و سنی با «إِنَّمَا» در آیه تطهیر، با هدف روشن شدن تفسیر درست آیه مورد نظر و با در نظر گرفتن وضع و معنای حقیقی «إِنَّمَا». این آیه در سوره احزاب و در ضمن آیه‌ای قرار دارد که خطاب صدر آن متوجه زنان پیامبر(ص) است و همین امر سبب شده برخی با القای شبهه، نزول آیه را در شأن پنج تن آل‌عبا انکار کنند یا زنان پیامبر(ص) را نیز در زمره‌ی آنان قرار دهند. در بخش اول نظر مقاله دیدگاه و نظرات مفسران و صاحب‌نظران مشهور، در تفسیر این آیه مورد نظر بررسی شده است و در بخش دوم، به تحلیل و نقد آنها پرداخته‌ایم و در پایان با توجه به شواهد، دیدگاه صائب بیان شده است.

کلید واژه‌ها: ادات حصر، آل‌عبا، تطهیر، اهل بیت.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۹

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۱

پست الکترونیک نویسنده مسئول: mk_shaker@yahoo.com

مقدمه

آیه شریفه «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» از آیات محکم قرآن مجید است که علاوه بر روایات فراوان شیعه، به گواهی احادیث متعدد منقول از طریق اهل سنت، در شأن پنج تن آل‌عبا نازل شده است. این آیه در سوره احزاب قرار دارد به آیه «تطهیر» شهرت یافته است، این آیه از آیاتی است که مشتمل بر یکی از ادات «حصر» است و تفسیر آن مورد اختلاف نحله‌های کلامی در میان مسلمانان است. مفسران شیعی مصداق آن را آل‌عبا می‌دانند و عصمت اهل بیت را از این آیه نیز برداشت کرده‌اند؛ در حالی که مفسران سنی مذهب چنین برداشتی از این آیه ندارند. وجود واژه‌ی «انما» در این آیه سبب شده است که بحث ادبی مشترکی در این آیه سامان بگیرد.

پژوهش پیش‌رو، بر اساس بررسی هفده تفسیر شیعه و سنی انجام شده است و پس از بررسی دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران مشهور در موضوع مورد نظر، تلاش شده است با پرهیز از تعصب، تفسیری درست، بر اساس قواعد زبان عربی در کنار روایات شأن نزول، از آیه‌ی مذکور ارائه شود.

معناشناسی

«حصر» در لغت به معنای «تضییق و تنگ گرفتن، منع، حبس و عجز» آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۹۳؛ فیومی، بی‌تا: ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۴) در اصطلاح بلاغت نیز به معنای اختصاص یک شیء به شیء دیگر به طریق مخصوص است.^۱ (تفتازانی، ۱۴۲۲: ۳۸۱) «حصر» برحسب حال مخاطب سه قسم است: افراد، قلب، و تعیین. در حصر افراد، مخاطب، به شرکت فرد دیگری همراه با مقصورعلیه اعتقاد دارد. متکلم حکم را با آوردن «حصر» در جمله،

به «مقصورعلیه» اختصاص می‌دهد. در حصر قلب، مخاطب به عکس حکمی که به وسیله قصر ثابت می‌شود، اعتقاد دارد لذا متکلم با استفاده از «حصر»، اعتقاد او را تغییر می‌دهد. در حصر تعیین، مخاطب یا در حکم بین «مقصورعلیه» و غیر آن مردد است، یا هر دو امر پیش او مساوی است. متکلم با آوردن «حصر»، آنچه را که معین نیست برای مخاطب تعیین می‌کند. (همان: ۳۸۳)

واژه «اهل» در منابع لغوی به معنای خانواده، ساکنان یک خانه، اعضا و پیروان یک دین، شایسته و سزاوار و این قبیل معانی آمده است. (فراهیدی، همان: ۸۹؛ ابن‌منظور، همان: ۲۸؛ راغب، همان: ۹۶)

«إنما» از «ادات حصر» و در فارسی معادل «فقط» یا «این است و جز این نیست» می‌باشد. در اکثر منابع بلاغی به چگونگی دلالت «إنما» بر «حصر» اشاره شده است. هر یک از آنها برای اثبات نظر خود دلایلی اقامه کرده‌اند. از جمله آن دلایل است:

۱- دیدگاه مفسران متقدم (مانند ابن‌عباس) در مورد آیه ۱۱۵ سوره نحل که «إنما» را در آن آیه، مفید «حصر» می‌دانند.

۲- نظر نحوی‌ها که به استناد مشافهه از عرب معتقدند این واژه دربردارنده معنای «ما و إلا» است و لفظی که بعد از آن می‌آید را اثبات و غیر آن را که ذکر نشده نفی می‌کند (در واقع إنما دو عمل انجام می‌دهد؛ اول، اثبات مذکور؛ دوم، نفی غیرمذکور)

۳- وجوب منفصل آمدن ضمیر همراه «إنما» بعد از آن، با اینکه می‌تواند متصل بیاید.

۴- آمدن «إنما» در بسیاری از آیات قرآن که معنای آنها فقط با «حصر» درست می‌شود نه غیر آن. (جرجانی، ۱۴۰۴: ۲۵۳؛ تفتازانی، ۱۴۲۲: ۳۹۶؛ همو، ۱۴۱۱: ۱۲۰؛ قزوینی، ۱۴۲۰: ۲۲۹؛ دسوقی، بی‌تا: ۶۰۶؛ همو، بی‌تا: ۳۲۳؛ سیالکوتی، بی‌تا: ۳۳۴؛ اسفراینی، ۲۰۱۱: ۲۰۱۱)

۳۵۹؛ حلبی، بی‌تا: ۳۷۹؛ سیوطی، ۱۴۲۲: ۱۴۲) اما به نظر برخی، این واژه در اصل برای «حصر» وضع شده است و برای افاده «حصر» نیازی به دلیل ندارد. (رازی، ۱۹۸۹: ۲۶۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ۲۱۳؛ اسفراینی، همان؛ سیوطی، همان: ۱۴۵؛ الصعیدی، ۱۴۲۱: ۲، ۱۱؛ حلبی، همان: ۳۸۰؛ الجرجانی، ۲۰۱۱: ۱۲۸؛ المغربی، ۲۰۰۲: ۴۳۱) از خصوصیات «إنما» این است که در خبری به کار می‌رود که مخاطب نسبت به خبر نه جاهل است و نه آن را انکار می‌کند، یا در خبری می‌آید که مخاطب به آن جاهل اما منکر آن نیست یا اگر منکر است، انکارش با کمی توضیح برطرف می‌شود. (جرجانی، همان؛ تفتازاتی، همان؛ دسوقی، همان؛ سیالکوتی، همان؛ قزوینی، همان؛ سید باقر الحسینی، ۱۳۸۸: ۱۶۸؛ فضل حسن عباس، ۱۴۰۵: ۳۸۸؛ سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۳۸) پس واژه «إنما» در آیه مورد نظر برای اثبات خبری آمده است که مورد انکار و مجهول نبوده، یا اینکه اگر مقداری جهل و انکار در کار بوده است، به واسطه این واژه و مورد نزول برطرف شده است.

پیشینه بحث

در مقالات و کتب بسیاری از جمله مقاله «استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه»، نگاهی نو به آیه تطهیر، «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت و اهل سنت»، «اهل بیت در آیه تطهیر کیانند؟» و «نگرشی نو به آیه تطهیر»، در مورد مصادیق آیه تطهیر بحث و بررسی صورت گرفته است که در مورد واژه «إنما» و افاده حصر آن مباحثی ارائه داده‌اند؛ ولی این مباحث به شکل اشاره‌ای گذرا است و به سؤال‌های این تحقیق پاسخی درخور نمی‌دهد. در کتاب‌های تفسیری نیز به طور پراکنده مباحثی انجام شده است؛ اما در اکثر موارد با مباحث کلامی آمیخته شده و به راحتی برای همه افراد قابل درک نیست.

سؤالات تحقیق

در این مقاله سعی شده معنای درست «إنما» در آیه «تطهیر» بر اساس قواعد ادبی و نحوی و با تکیه بر روایات شأن نزول بازشناسی شود. این مهم در گرو بررسی سؤالات زیر است:

- الف) وضع حقیقی و معنای اصلی «إنما» چیست؟
 ب) غرض اصلی متکلم از به کار بردن «إنما» در آیه «تطهیر» چیست؟
 ج) آیا رابطه‌ای بین اجزاء جملات وارد شده در آیه مورد نظر با «إنما» وجود دارد؟
 د) منشأ اصلی اشتباه در تفاسیر ارائه شده از این آیه چیست؟

دیدگاه‌های اصلی مفسران در آیه تطهیر

بررسی تفاسیر نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مشهور در این آیه به سه دسته کلی قابل تقسیم است:

- دیدگاه اول نظر کسانی است که به «حصر» حاصله از کلمه «إنما» اشاره کرده‌اند ولی اجزاء این آیه را بر طبق آن تفسیر نکرده‌اند.
 دیدگاه دوم از آن کسانی است که به «حصر» مستفاد از «إنما» اشاره‌ای نکرده‌اند و در مورد اجزاء آیه با افراد مذکور هم‌نظرند.
 دیدگاه سوم آن است که «إنما» در آیه مورد بحث در معنای حقیقی و برای «حصر» است. این دسته از مفسران، آیه را با توجه به معنای اصلی و وضع حقیقی «إنما» و روایات شأن نزول، تفسیر کرده‌اند. این دیدگاه متعلق به اکثر مفسران شیعه است.

۱- دیدگاه مفسران اهل سنت

ابوجعفر محمد بن جریر طبری (م/۳۱۰ق) از جمله افرادی است که به «إِنَّمَا» در آیه مورد بحث هیچ اشاره‌ای ندارد. وی روایات فراوانی را در شأن نزول این آیه بیان کرده است، ولی در مورد ارتباط این کلمه با اجزاء آیه، متذکر هیچ مطلبی نشده است. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۵-۷)

جار الله محمود زمخشری (م/۵۳۸ق) از آن دسته مفسرانی است که علی‌رغم اشاره‌های متعدد در آیات مشابه، هیچ اشاره‌ای به اختصاص حاصل از «إِنَّمَا» در آیه تطهیر نکرده و سریع از تفسیر آیه عبور کرده است. (رک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۳۸) به عنوان نمونه، وی در ذیل آیه ۱۱ سوره بقره «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»، در مورد «إِنَّمَا» می‌گوید: «إِنَّمَا برای قصر حکم بر شیء است؛ مثل: إِنَّمَا ينطق زيد، یا برای قصر شیء بر حکم است؛ مثل: إِنَّمَا زيد كاتب». (همان: ۶۲) وی به مصداق اهل بیت به طور مستقیم اشاره نکرده و گفته است: «این آیه دلالت بر ورود همسران پیامبر در «اهل بیت» دارد». (همان: ۵۳۸)

عبدالحق بن غالب ابن عطية اندلسی (م/۵۴۱ق) در تفسیر آیه «تطهیر» به «حصر» حاصله از «إِنَّمَا» هیچ اشاره‌ای نکرده و نظر قطعی خود در مصداق «اهل بیت» را نیز بیان نکرده است. وی فقط به ذکر اقوال در این باره بسنده کرده است. (رک: همو، ۱۴۲۲: ۳۸۴) وی در موارد متعدد مشابه به شرح «حصر» حاصله از «إِنَّمَا» پرداخته است؛ مثلاً در ذیل آیه ۲ انفال «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ...» نوشته است: «إِنَّمَا لفظی است که از مبالغه و تأکید جدا نمی‌شود و در این حال برای حصر صلاحیت دارد». (همان: ۵۰۰)

ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی (ت/۵۴۶ق) علاوه بر اینکه ضمن تفسیر، سخنی از ورود «إِنَّمَا» در این آیه به میان نیاورده، از هیچ کدام استدلال‌ها و

سؤال و جواب‌های معروف او نیز خبری نیست. علی‌رغم این که او در تفسیر آیات دیگر از جمله آیه «ولایت» سخن را به داراز کشیده است، برای ردّ قول شیعه و انکار افاده حصرِ اِنْمَا، در تفسیر این آیه، عجولانه از آن عبور و اصلاً به قول شیعه یا اقوال مختلف در معنا و جایگاه «ادات حصر» و مصداق «اهل بیت» اشاره نکرده است. (رک: رازی، ۱۴۲۳: ۱۶۸) او در تفسیر آیات بسیاری که در بردارنده «اِنْمَا» هستند، به «حصر» حاصله از آن اذعان دارد؛ مثل آیه ۲۸ و ۶۰ سوره توبه و ۱۱۰ سوره کهف. وی در تفسیر آیه ۶۰ توبه در مورد «حصر» حاصله از «اِنْمَا» گفته است: لفظ «اِنْمَا» به چند دلیل مفید «حصر» است: اول اینکه این کلمه از «اِن» و «ما» تشکیل شده است. «اِن» برای اثبات و «ما» برای نفی است. وقتی این دو با هم جمع شوند، مذکور را ثابت و غیر آن را نفی می‌کنند. دوم [اِنْمَا در] شعر اعشی است:

ولست بالأكثر منهم حصی و اِنْمَا العزّة للکواثر^۳
سوم [اِنْمَا در] قول فرزدد است:

أنا الذائد الحامی الذمار و اِنْمَا يدافع عن أحسابهم أنا أو مثلی^۴
(همان: ۸۱)

لازم به ذکر است که وی در کتاب نه‌ایه‌الایجاز اثر بلاغی خود، در مورد «اِنْمَا» می‌نویسد: «اِنْمَا در اصل برای دلالت بر تخصیص حکم به آن چه که مذکور است، وضع شده است». (همو، ۱۹۸۹: ۲۶۰) چه چیز ممکن است دلیل عبور همراه با عجله رازی از آیه «تطهیر» باشد؟! در حالی که عمل او در مورد آیات دیگر کاملاً برعکس است و همین موضوع سبب تعجب است! آیا چیزی غیر از تعصب علت این امر و عمل دوگانه این مفسر است؟!

محمد بن احمد قرطبی (م/۶۷۱ ق) نیز در مورد «حصر» حاصله از «إنما»ی موجود در آیه مورد بحث سکوت کرده است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۲) این در حالی است که در مورد آیات دیگر که شامل «إنما» هستند این گونه عمل نکرده است.^۵ وی معتقد است جملات «اذکرن» و «بیوتکن» در آیه‌ی بعد، دلالت می‌کند بر اینکه همسران پیامبر «اهل بیت» هستند؛ مانند آیه ۷۳ سوره هود: «أَتَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ». (همان: ۱۸۳)

عبدالله بن عمر بیضاوی (م/۶۸۵ ق) نیز از جمله افرادی است که علی‌رغم اینکه در موارد مشابه^۶ متذکر «حصر» حاصله از «إنما» شده است، (رک: بیضاوی، ۱۴۱۸: ۶۲) در این آیه به ورود «إنما» هیچ اشاره‌ای نکرده است و تخصیص «اهل بیت» به فاطمه و علی (ع) و پسران آن دو توسط شیعه را به خاطر ورود حدیثی می‌داند که از عایشه روایت شده است.

محمد بن یوسف بن علی بن حیان اندلسی (م/۷۱۰ ق) نیز علی‌رغم اشاره‌های متعدد به افاده یا عدم افاده «حصر» توسط «إنما»، در آیات دیگر^۷ به این مطلب در آیه مذکور هیچ اشاره‌ای نکرده است. (رک. همان: ۴۷۹)

نظام‌الدین نیشابوری (م/۷۲۸ ق) یکی دیگر از مفسرانی است که علی‌رغم اشاره‌های متعدد به افاده «حصر» توسط «إنما»^۸ و توجه به نکات ادبی، در این آیه «إنما» را نادیده گرفته است و پس از ذکر روایات وارده در شأن نزول این آیه، (رک: همان: ۴۶۰) نوشته است: «در آیه مباحله گفتیم که «اهل بیت»، به اتفاق علما، پیامبر(ص) و فاطمه و حسن و حسین هستند و صحیح است که علی به خاطر معاشرتش با دختر پیامبر و ملازم بودنش با پیامبر از آنها باشد. ورود آیه در شأن همسران پیامبر احتمال دخول آنها در «اهل بیت» را افزایش می‌دهد». (همان)

اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م/ ۷۷۴ق) از مفسران معروف اهل سنت نیز به «حصر» حاصله از «إنما» توجهی نکرده و تلاش کرده است تا در صحت روایات فراوانی که از طرق مختلف در شأن نزول آیه بیان کرده، تشکیک وارد کند. (رک: ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۵-۳۷۰)

شایسته ذکر است روایات وارد شده در شأن نزول این آیه اگر متواتر نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۱۱؛ و جویباری، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۵۲۷) آن قدر زیاد است که نتوان از آنها صرف نظر کرد. اگر قرار باشد این همه روایت را نادیده گرفت، تکلیف آیاتی که به کمک روایات واحد تفسیر می‌شوند چه می‌شود؟ آیا می‌توان به همین راحتی فقط به صرف این که روایتی مخالف با عقیده ما است در صحت آن خدشه وارد کنیم؟

سید محمود آلوسی (م/ ۱۲۷۰ق) متذکر «حصر» حاصله از «إنما» در این آیه نشده و سخن شیعه را در مورد افاده «حصر» توسط آن و عصمت اهل بیت (ع) که بر اساس «حصر» مستفاد از «إنما» است، بدون دلیل منطقی رد کرده است. وی پس از نقل اقوال در مصداق «اهل بیت»، گفته است: «همسران پیامبر به نص قرآن داخل در «اهل بیت» اند و آل عبا به جعل پیامبر داخل آن هستند همان گونه که سلمان را که هیچ قرابتی با او نداشت، داخل در «اهل بیت» کرد». (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۶) او پس از ذکر احادیث وارد شده از پیامبر (ص) درباره مصداق آیه، آنها را دلیل بر حصر «آل عبا» در «اهل بیت» نمی‌داند. سپس در ادامه می‌گوید: «اگر مراد از «اراده»، اهل کسا بودند چه نیازی به دعا از جانب پیامبر بود [که بگوید: اللهم هؤلاء اهل بیتی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا]. آنچه که برای من روشن است این است که مراد از «اهل بیت» کسی است که با پیامبر بیشترین ارتباط و نسبتی نزدیک و قوی با او دارد به طوری که عرفاً اجتماع و سکونت آنها با او در یک خانه قبیح

نباشد. پس همسران او و چهار تن اهل کسا و علی(ع) به خاطر قرابتش با پیامبر و رشد یافتن در دامان او و دامادی او داخل در «اهل بیت» هستند». (همان: ۱۹۹)

بله اگر در مراد آیه از «اهل بیت» سؤال نبود، هیچ نیازی به عمل و دعای پیامبر نبود. عمل پیامبر(ص) نشان می‌دهد که یا در همان ابتدای نزول آیه، شبهه وجود داشته و پیامبر می‌خواسته با عمل خود شبهه را برطرف کند، یا می‌دانسته بعدها شبهه ایجاد خواهند کرد و خواسته قبلاً از آن جلوگیری کند. سخن پیامبر(ص) در مورد سلمان نیز به این معنا نبوده که بخواهد بگوید او نیز داخل در «اهل بیت» است؛ بلکه همان طور که در عرف ما نیز وجود دارد که اگر بخواهیم بگوییم فلانی می‌تواند از راز ما با خبر باشد می‌گوییم او از خودمان است، می‌خواسته سلمان را محرم اسرار «اهل بیت» و به عبارتی او را «صاحب سر» این خاندان معرفی کند. به علاوه دعای پیامبر(ص) با جمله اسمیه آغاز می‌شود. در ادبیات عرب یکی از مواردی که در کلام دلالت بر حصر و تأکید می‌کند، جمله اسمیه است. (ر.ک. سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۷۲؛ و همو ۱۴۰۸: ۱۴۱) پس علاوه بر آیه که دارای «حصر» است، روایت وارده از پیامبر(ص) نیز دارای «حصر» است.

محمد بن طاهر بن عاشور (ت/۱۲۹۶ق) در تفسیر آیه «تطهیر» در ابتدا «إِنَّمَا» را به «إِنَّ» و «مَا» تفکیک می‌کند و می‌گوید: «این جمله [إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...] علت از امر و نهی الهی در این آیات است. «إِنَّمَا» در موضع ربط مابعد به ماقبل خود است، چون «إِنَّ» جزئی از آن است که به گفته عبدالقاهر از «فاء» سبب، بی‌نیاز می‌کند. قصر در این آیه، قصر قلب است و آمدن فعل مضارع برای اراده دلالت بر تجدد و استمرار اراده دارد. وقتی خداوند چیزی را اراده کند هیچ چیزی اراده او را نمی‌تواند برگرداند مانند آیه ۶ سوره مائده «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ». این جهت آمدن صیغه قصر توسط «إِنَّمَا» است. شیعه

وصف «اهل بیت» را غصب کرده و آن را در فاطمه و علی و پسرانشان محصور کرده‌اند. این امر مقابله با قرآن است؛ چون این آیه را در بین آیات قبل و بعد که خطاب به همسران پیامبر است، حشو و بیهوده قرار می‌دهند؛ در حالی که در حدیث کسا لفظی که دلالت بر «حصر» این وصف بر آنها کند وجود ندارد؛ چون در جمله «هؤلاء اهل بیتی» صیغه قصر نیست و این مانند آیه ۶۸ سوره حجر است که می‌فرماید: «إِنَّ هَؤُلَاءِ ضِيفِي». معنای آیه این نیست که من غیر اینها مهمانی ندارم. برخی از احادیث نیز دلالت دارند که این آیه قبل از عمل پیامبر(ص) نازل شده است و اگر به ام سلمه اجازه ورود به کسا را نداد، به این دلیل بود که او درخواست امر حاصل کرد؛ در حالی که نیازی به الحاق به آنها نداشت». (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۴۶-۲۴۸)

این که گفت فعل مضارع «یرید» دلالت بر تجدد استمرار دارد، درست است، ولی آیا در مورد همه همسران پیامبر(ص) اراده بر بردن رجس و پاکی تجدد و استمرار دارد؟ روشن است که چنین چیزی صحیح نیست و عمل برخی از همسران پیامبر(ص) این مطلب را ثابت می‌کند و توییح آنها در برخی از آیات قرآن نیز مؤید این مطلب است.

اما این که «حصر» آیه در خمسه آل‌عبا مقابله با نص قرآن است، باید گفت خود پیامبر(ص) به «حصر» آیه در اصحاب کساء تصریح دارد. اگر این کار پیامبر(ص) مخالفت و مقابله با نص قرآن باشد، او اولین کسی است که با نص قرآن مخالفت کرده است. (عاملی، ۱۴۱۳: ۵۷)

در مورد اسمیه بودن کلام پیامبر(ص) نیز قبلاً اشاره شد که جمله اسمیه دلیل بر «حصر» است و آیه ۶۸ حجر که از قول لوط(ع) است نیز از جهتی بر «حصر» دلالت دارد؛ با این توضیح که آن حضرت با آوردن «إِنَّ» در ابتدای کلام، با تأکید گفتار خود، مهمان‌ها را منسوب به خود می‌کند؛ یعنی در واقع به این وسیله مقام

نبوت خود را به مردم گوشزد کرده و به آنها یادآوری می‌کند که من پیامبر خدا هستم و اینها مهمان‌های پیامبر خدا هستند.

به علاوه طبق اکثر روایات وارد شده در شأن نزول این آیه، ما نیز معتقدیم این آیه قبل از عمل پیامبر(ص) در مورد «اهل کسا» نازل شده است و پیامبر(ص) برای اینکه معنای واقعی این قسمت از آیه را مشخص و بر نص قرآن در مورد آن تأکید کند، عمل کسا را انجام دادند.

۲- دیدگاه مفسران شیعه

محمد بن محمد مفید(م/۴۱۲ ق) مستقیماً به ورود «إنما» در این آیه اشاره نکرده؛ ولی در ضمن تفسیر به اختصاص موجود در آن اشاره کرده است. ایشان معتقد است خداوند در آیه تطهیر اراده خود در بردن رجس را به اصحاب کسا اختصاص داده است و اگر اذهاب رجس صورت بگیرد و دلالت بر عصمت نکند، اراده الهی در پاک کردن آنها معنا نخواهد داشت. (مفید، ۱۴۲۴: ۴۱۲)

محمد بن حسن طوسی(م/۴۶۰ ق) در برخورد با «إنما»ی وارده در آیه تطهیر نیز به «اختصاص» حاصله از «إنما» اشاره و آن را به «لیس» و «إلّا» که در واقع یکی از معانی «إنما» می باشد، معنا کرده است. وی طبق روایات وارد شده، مصداق «اهل بیت» را اصحاب کسا معرفی کرده است. (طوسی، بی تا: ۳۳)

فضل بن حسن طبرسی(م/۵۴۸ ق) نیز «إنما» در این آیه را برای اختصاص می‌داند. وی در ذیل آیه می‌گوید: «إنما، ما بعد خود را اثبات و غیر آن را نفی می‌کند. این کلمه حکم را به ما بعد خود اختصاص می‌دهد و از غیر آن سلب می‌کند. مثل: «إنما لك عندی درهم» (تو پیش من فقط یک درهم داری نه بیشتر) و «إنما فی الدار زید» (فقط زید در خانه است). (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۹) وی پس از بیان

روایات وارد شده در مورد آیه، مصداق «اهل بیت» را اصحاب کسا دانسته است. در واقع وی با در کنار هم قرار دادن «إنما» و روایات شأن نزول به این نتیجه‌گیری رسیده است. (همان: ۵۶۰)

علی بن حسین عاملی (م/۱۱۳۵ق) در برخورد با «إنما» در آیه تطهیر به «حصر» حاصله از «إنما» اشاره کرده و با توجه به روایات متواتر و مستفیض در مورد آیه، مصداق «اهل بیت» را «آل‌عبا» دانسته و گفته است: «بردن رجس و تطهیر آنها از فعل خدای متعال است. او اراده فرموده و آن را به وسیله «حصر» و «لام» تأکید کرده، پس [اراده‌اش] باید واقع شود». (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶ و ۱۵)

سیدمحمدحسین طباطبایی (م/۱۳۶۰ش) در تفسیر آیه تطهیر «إنما» را مفید «حصر» دانسته و گفته است: «کلمه «إنما» در آیه انحصار خواست خدا را می‌رساند، و می‌فهماند که خدا خواسته رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت دهد. کلمه «أَهْلَ الْبَيْتِ» چه صرفاً برای اختصاص باشد تا غیر از اهل خانه داخل در حکم نشوند و چه نوعی مدح باشد، و چه نداء و به معنای «ای اهل بیت» بوده باشد، دلالت دارد بر اینکه دور کردن رجس و پلیدی از آنان، و تطهیرشان، مسأله‌ای مختص به آنها و کسانی که مخاطب در «عنکم» هستند، می‌باشد. بنابراین، در آیه شریفه در حقیقت دو قصر و انحصار به کار رفته است، یکی انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت، دوم انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت و به دلیل ضمیر «عنکم» در این قسمت آیه، مراد از «اهل بیت» همسران پیامبر (ص) نیستند». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۹-۳۱۰) وی برخلاف ابن‌عاشور معتقد است این آیه مانند آیه ۶ مائده نیست چون اگر این گونه باشد، مراد از بردن رجس و تطهیر اهل بیت تنها همان تقوای دینی، و اجتناب از نواهی، و امتثال اوامر است و معنای آیه این است که خدای تعالی از این

تکالیف دینی که متوجه شما کرده سودی نمی‌برد، و نمی‌خواهد سود ببرد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند، و پلیدی را از شما دور سازد. اگر معنا این باشد، با اختصاص آیه به اهل بیت منافات دارد، زیرا خدا این گونه تطهیر را برای عموم مسلمانان و مکلفین به احکام دین می‌خواهد، نه برای خصوص اهل بیت، در حالی که آیه شریفه دو انحصار را می‌رساند که انحصار دوم، انحصار تطهیر در اهل بیت است. ایشان معتقد است نزول این قسمت از آیه جدای از ماقبل و مابعد آن است و به دستور پیامبر(ص) در این آیه قرار داده شده است به گونه‌ای که اگر حذف شود هیچ خللی به آیه و سیاق آن وارد نمی‌کند. علاوه بر این، دلیل محکمی بر متصل بودن این قسمت از آیه با قبل و بعد آن در روایات وجود ندارد. (همان: ۳۱۰ و ۳۱۱) وی در ادامه در مورد روایات وارد شده در شأن نزول آیه می‌گوید: «در روایات آمده است، آیه شریفه در شأن رسول خدا(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) نازل شده است و احدی در این فضیلت با آنان شریک نیست. این روایات بسیار زیاد، و بیش از هفتاد حدیث است، که بیشتر آنها از طرق اهل سنت است، و تقریباً از چهل طریق آنها را نقل کرده‌اند. شیعه نیز آنها را از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند». (همان: ۳۱۱)

ممکن است کسی بگوید مذكر آمدن ضمير بر اساس قاعده تغليب است. بايد گفت: با توجه به بخش ابتدایی آیه که فقط همسران پیامبر(ص) مورد خطاب هستند و مردی در خطاب با آنها شریک نیست، قاعده تغليب در مورد همسران نیست؛ بلکه متناسب با پنج تن است.

ناصرمکارم شیرازی(ت/۱۳۴۵ق) نیز در تفسیر نمونه در مواجهه با آیه تطهیر می‌گوید: «تعبیر به «إنما» که معمولاً برای حصر است، دلیل بر این است که موهبت عصمت ویژه خاندان پیامبر(ص) است. جمله «یرید» نیز اشاره به اراده تکوینی

پروردگار است، وگرنه اراده تشریحی، و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاهداشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر ندارد، و همه مردم بدون استثناء به حکم شرع موظفند از هر گونه گناه و پلیدی پاک باشند. تعبیر «اهل‌البیت» به اتفاق همه علمای اسلام و مفسران، اشاره به اهل بیت پیامبر(ص) است. این چیزی است که از ظاهر خود آیه نیز فهمیده می‌شود، چرا که «بیت» گرچه به صورت مطلق در اینجا ذکر شده است، اما به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن، بیت و خانه پیامبر(ص) است. با وجود نصوص فراوان که قرینه روشنی بر تفسیر مفهوم [این قسمت از] آیه است، مخاطب در [عنکم] منحصرأ پنج نفرند: پیامبر، علی، فاطمه، حسن، و حسین(ع). تنها سؤالی که در اینجا باقی می‌ماند این است که چگونه در لابلای بحث از وظایف زنان پیامبر مطلبی گفته شده است که شامل زنان پیامبر نمی‌شود؟ [طبق آنچه] مرحوم «طبرسی» می‌گوید، این اولین بار نیست که در قرآن به آیاتی برخورد می‌کنیم که در کنار هم قرار دارند، اما از موضوعات مختلفی سخن می‌گویند. قرآن از این گونه بحث‌ها پر است، همچنین در کلام فصیحان عرب و اشعار آنان نیز نمونه‌های فراوانی برای این موضوع موجود است». (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۹۲-۲۹۴) ایشان در ادامه نظر علامه طباطبایی در مورد نزول این قسمت از آیه به طور مفصل از آیات قبل و بعد را بیان کرده و این قول را پذیرفته است. (همان: ۲۹۵)

دیدگاه منطقی در مورد آیه، همان دیدگاه شیعه می‌باشد. این دیدگاه با تأکید بر معنای اصلی «إنما» و ارائه استدلال‌های پذیرفتنی و منطقی در افاده «حصر» آن و روایات وارد شده در شأن نزول، تفسیر مورد قبولی از این دو آیه ارائه داده است. در ادامه به بررسی دلایل پذیرش این دیدگاه می‌پردازیم:

۱- واژه «إنما»: بنابر آنچه از کتب علوم بلاغت به دست آمد، کلمه «إنما» همیشه مفید «حصر» است و در اصل برای این معنا وضع شده است. هیچ یک از

علمای بلاغت بر این عقیده نیست که این واژه گاهی برای «حصر» است و گاهی برای «حصر» نیست.

همان گونه که قبلاً گفته شد، «حصر» در اصطلاح بلاغت اختصاص یک شیء به شیء دیگر به طریق مخصوص می‌باشد. پس لفظ «إنما» در این آیه برای اختصاص اراده الهی به اذهاب رجس و تطهیر «اهل بیت» آمده است.

ملاحظه شد که در برخی منابع، برای نشان دادن افاده «حصر» توسط «إنما»، از اشعار جاهلی و صدر اسلام به عنوان شاهد استفاده شده است. این مطلب نشان می‌دهد که «إنما» از ابتدای وضع در معنای حقیقی «حصر» بوده است و اگر بخواهد معنایی غیر از این را برساند، احتیاج به قرینه دارد. اگر کسی هم بخواهد معنایی غیر از معنای حقیقی را برای آن اثبات کند، باید دلیل مورد قبول در علم ادبیات بیاورد.

۲- مصداق «اهل بیت»؛ این عبارت سه بار در قرآن به کار رفته است که هر سه مورد خصوص خاندان نبوت است. (هود/۷۳، قصص/۱۲، احزاب/۳۳) در یک کاربرد «بیت» به صورت نکره و در دو مورد با «ال» تعریف آمده است. برخی مفسران اهل سنت برای اینکه همسران پیامبر را داخل در «اهل بیت» معرفی کنند به آیه ۷۳ هود استدلال کرده و می‌گویند چون در آیه ۷۳ سوره هود حضرت ابراهیم به همراه همسرش ساره مورد خطاب است، ضمیر در آن مذکر آمده است. پس در این آیه نیز منظور پیامبر و همسران او هستند. (آلوسی، همان: ۱۹۴؛ ابن‌عاشور، همان: ۲۴۶) جعفر مرتضی‌عاملی می‌نویسد: «دخول ساره در اهل بیت شاید از این جهت باشد که او دختر عموی ابراهیم (ع) بود، لذا از جهت نسبی داخل در اهل بیت است نه از جهت اینکه همسر او بود، اما در این مورد دلیل قطعی وجود ندارد». (عاملی، ۱۴۱۳: ۹۸) در حالی که اگر خوب توجه کنیم، می‌بینیم که در اینجا ساره و حضرت ابراهیم هر دو مورد خطاب فرستادگان خدا هستند که به آنها گفتند: این موارد در «خاندان

نبوت» بعید نیست. اما در آیه مورد بحث اصلاً پیامبر(ص) مورد خطاب نیست تا ضمائر بنا بر غلبه مذکر بیایند. پس این آیه با مورد حضرت ابراهیم متفاوت است. در هر دو آیه منظور از «اهل بیت» خاندان نبوت است و «ال» در «البت» عوض از مضاف محذوف است؛ یعنی «اهل بیت النبوة».

از دیگر شواهد آنها آیه ۱۰ سوره طه^{۱۱} (طنطاوی، بی‌تا: ۲۰۹) و ۲۹ سوره قصص^{۱۲} (آلوسی، همان) می‌باشد که حضرت موسی به خانواده‌اش گفت اینجا بمانید تا من برای شما آتشی فراهم کنم. در حالی که مورد خطاب حضرت موسی خانواده‌اش اعم از زن و مرد بود. در این آیه لفظ «بیت» به «اهل» اضافه نشده است و این خود دلیل بر این است که در آن دو مورد که «بیت» به آن اضافه شده است، منظور «خاندان نبوت» است نه خانواده آن پیامبر؛ چه این که در بسیاری از تعبیر قرآنی به خانواده «اهل» گفته شده است، مثل آیه ۶ سوره تحریم که می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»^{۱۳}.

۳- روایات شأن نزول؛ با استفاده از روایات متواتر و فراوانی که از پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) به دست ما رسیده است، معلوم می‌شود که «اهل بیت» در آیه فقط پنج تن «آل‌عبا» و به تبع آنها «ائمه اثنی عشر» می‌باشند^{۱۴}.

۴- سیاق آیات قبل و بعد: اگر در سیاق آیه کمی دقت کنیم می‌بینیم خداوند از آیه ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب، خطاب خود نسبت به همسران پیامبر را شروع می‌کند، اما با واسطه پیامبر(ص). در آیات بعد، آنها را بدون واسطه با لحنی عتاب‌آمیز مورد خطاب قرار داده است. در بین آیه ۳۳ ناگهان خطاب را از مؤنث به مذکر تغییر می‌دهد و دوباره در آیه بعد به خطاب مؤنث بازمی‌گردد. این موضوع نشان از چیست؟ حتی در آیات ۲۸ و ۲۹ که به واسطه پیامبر، همسران او را مورد خطاب قرار می‌دهد، خطاب اصلی به خود پیامبر(ص) نیست، چه رسد به کسانی که

اصلاً نامی از آنها در آیه نیست. علاوه بر این، این بخش از آیه در مورد اراده الهی در بردن گناهان از آنها و تطهیر از گناهان است، چگونه ممکن است کسانی که از خدا و رسول(ص) در اموری اطاعت نکرده و با کارهای ناشایست آنها را آزرده‌اند، این گونه مورد تعظیم قرار گیرند؟ از این آیات و آیات ابتدایی سوره تحریم معلوم می‌شود برخی از همسران پیامبر(ص) اعمالی انجام داده بودند که سبب نارضایتی خدا و رسول او شده بود. تا زمانی که کسی خطایی انجام نداده باشد، مورد عتاب قرار نمی‌گیرد. آیا عقل می‌پذیرد این افراد با این خصوصیات معصوم از گناه باشند؟ شکی نیست که معصوم از گناه باید از تولد تا مرگ از گناهان به دور باشد نه اینکه از دستورات خدا و رسول(ص) سرپیچی کند و مرتکب گناه شود، بعد خداوند بگوید اراده من به این تعلق گرفته که رجس را از شما دور کنم و شما را پاک گردانم! علاوه بر این، خداوند متعال در آیات پیشین، همسران پیامبر را مورد عتاب و توبیخ قرار داده است؛ در حالی که آیه‌ی مورد بحث در بردارنده‌ی تعظیم مقام «اهل‌بیت» است. حال اگر آنان مصداق «اهل بیت» بودند نباید در ابتدا مورد عتاب واقع می‌شدند؛ چرا که از متکلم حکیم بعید است کسی را مورد عتاب قرار دهد، بعد او را تعظیم کند و دوباره به عتاب او بازگردد. شاید کسی بگوید مراد، آن عده از همسران پیامبر(ص) هستند که مؤمن بودند. در این صورت باید خداوند می‌فرمود: «لیذهب الرجس عن بعضکم اهل البیت». خداوند متعال این جمله را با «إنما» آغاز کرد تا توهم شرکت همسران پیامبر در «اهل بیت» را از بین ببرد. چرا که اگر «إنما» در آیه نبود، توهم شرکت وجود داشت.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آنها فعل «یرید» به کار رفته و از نظر اجزاء شبیه این آیه هستند، اما چون نیازی به «حصر» نبوده، در آیات ادات حصر به کار نرفته است، ولی در جایی که مقصود خداوند «حصر» یک حکم بر افرادی بوده،

از این ادات استفاده شده است. مثل آیه ۷ سوره انفال «... وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ». در این آیه فعل «یرید» با همان شرایط ولی بدون «حصر» آمده است؛ چون احتمال شرکت یا اشتباه در مصداق وجود ندارد؛ یعنی همه می‌دانستند که در صورت رویارویی با دشمن اگر به خدا توکل کنند و او یاریشان کند، پیروزی حتمی است. نیز آیه ۹۱ سوره مائده که در آن می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ». این آیه بعد از آیه‌ای آمده که در ممنوعیت خمر و میسر و انصاب نازل شده است. خداوند این آیه را با «حصر» آغاز کرده است تا به مخاطبانی که دست از این اعمال بر نمی‌دارند با تأکید بفهماند شیطان از دعوت به این گونه اعمال چیزی جز شر برای شما نمی‌خواهد و به وسیله همین شراب و قمار و انصاب و ازلام شما را از ذکر خدا و نماز باز می‌دارد. خداوند در این آیه، دشمنی و کینه را تنها بر اثر شراب و قمار می‌داند؛ چون معلوم است که نوشیدن شراب باعث تحریک سلسله اعصاب شده و عقل را تخدیر و عواطف عصبی را به هیجان درمی‌آورد. چنان که آمار کشورهای غربی و مترقی که نوشیدن مشروبات الکلی در بین‌شان رواج دارد نشان می‌دهد، درشت‌ترین ارقام جنایات و حوادث ناگوار و فسق و فجورهای شرم‌آور و ننگین در اثر نوشیدن این آب آتشین است. (طباطبایی، همان: ۱۱)

اما اینکه فرض شود این قسمت از آیه به طور جداگانه نازل شده است و پیامبر(ص) طبق صلاحدید خود آن را در ادامه بخش نخست آیه قرار داده باشد، به نظر می‌رسد این موضوع درست نباشد؛ زیرا درست است که چپش آیات توقیفی است و بنا به دستور پیامبر(ص)، آیات در سوره‌ها قرار داده شده‌اند، ولی از فردی با

خصوصیات آن حضرت که کار لغو نمی‌کند، بعید است که آیه‌ای را در جایی قرار دهد که هیچ ربطی به آیات قبل و بعد خود ندارد.

۵- عمل پیامبر در مورد دختر و داماد و فرزندان آنان و جمع کردن آنها در زیر کسا: این عمل نشان از «حصر» آنها در «اهل بیت» دارد. چرا که اولاً جمع کردن آنها در زیر کسا دلیل بر «حصر» است چنان که از داخل شدن همسرانش در جمع آنها جلوگیری کرده است. ثانیاً، دعای او با جمله اسمیه آغاز شده است، این مطلب دلیل بر «حصر» است. علاوه بر این، حضرت فرمود «هُؤلَاءِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» تا آنها را با همسرانش در «اهل بیت» بودن شریک قرار دهد؛ بلکه فرمود: «هُؤلَاءِ أَهْلِ بَيْتِي»، یعنی فقط اینها «اهل بیت» من هستند نه شخص یا اشخاص دیگر.

۶- حدیث ثقلین: ۱۵ این حدیث دلیل بر آن است که «آل‌عبا» مصداق واقعی «اهل بیت» اند. حضرت رسول (ص) در این حدیث، «عترت» خود را عدل و همسنگ قرآن قرار می‌دهد. همان «عترت»ی که آن را با عبارت «اهل بیت» تفسیر کرده است. معنی عدل و قرین قرآن قرار دادن آنها توسط پیامبر (ص) چیست؟ در این حدیث چه کسانی عدل قرآن قرار داده شده‌اند؟ «اهل بیت» به معنای (پنج تن) یا همسران پیامبر (ص)؟ قرآن کلام خدا و مصون از هر عیبی است پس باید عدل آن نیز معصوم باشد. آیا کسی تا به حال گفته است همسران پیامبر (ص) معصومانند یا آنها «عترت» او هستند؟ اگر کسی بگوید آنها «اهل بیت» او هستند، پس باید بگوید آنها «عترت» او نیز هستند. چرا که «اهل بیت» به معنای «عترت» است. همه می‌دانیم که این عقیده، محال است؛ چون «عترت» در لغت به معنای فرزندان و فرزندان فرزند است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶۵) در حالی که محال است همسر جزء فرزندان فرد باشد. از طرفی نیز می‌توان گفت این حدیث خود بر «حصر» دلالت می‌کند؛ چرا که حضرت رسول (ص) به عنوان بیان‌کننده قرآن از طرف خداوند، «اهل بیت» مطهر

را از غیر آن جدا می‌کند. علاوه بر این از آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَيْنَاهُمْ بِسِحْرِ» (قمر/۳۴) نیز به دست می‌آید که همسر لوط (ع) جزء «اهل بیت» او نیست چون «آل» در این آیه به معنای «اهل» است و همه می‌دانیم که در هنگام نجات لوط (ع) و فرزندانش، همسر او علی‌رغم اینکه در خانه پیامبر خدا بود، جزء آنها نبود. نیز در آیه ۶۵ سوره حجر، خطاب به لوط (ع) می‌فرماید: «فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ...» اهل در این آیه نیز به معنای «خاندان» و «آل» است. در آیه «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...» (هود/۴۶) که پسر نوح (ع) با آن حضرت داخل در کشتی نشد و هلاک شد، نوح (ع) از هلاکت او ناراحت می‌شود و به خداوند شکوه می‌کند که او پسر من و از خاندان من است. خداوند به دلیل عمل ناشایست پسر آن حضرت، او را از خاندان نبوت خارج می‌کند. نتیجه اینکه در قرآن کریم هر جا در مورد پیامبران، اهل به کار رفته است منظور خاندان نبوت است. از سویی نیز «اهل بیت» پیامبر در بین مسلمانان به «آل رسول» معروفند و این چیزی نیست که قابل انکار باشد. حتی بسیاری از مفسران اهل سنت که قائلند زنان پیامبر (ص) «اهل بیت» اویند، در کلام خود از «آل» پیامبر (ص) به «اهل بیت» تعبیر کرده‌اند؛ در حالی که منظور آنها «آل عبا» بوده است نه همسران آن حضرت.

بنابراین مقدمات می‌توان گفت که غرض اصلی از ورود «إنما» در آیه، انحصار اراده الهی به تطهیر و بردن رجس از «اهل بیت» است و منظور از «اهل بیت»، فقط «آل رسول» (ص) هستند. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: من اراده کردم رجس و بدی را فقط از «آل پیامبر» (ص) ببرم و فقط آنها را از گناهان پاک کنم و شما ای همسران پیامبر! اگر از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کردید، شایسته مقام آنها بودید، ولی اکنون که مورد رضایت خدا و رسولش نیستید این مقام شامل شما نمی‌شود. مؤید این امر روایات وارده در شأن نزول این آیه و عمل پیامبر (ص) و

آیات دیگر می‌باشد. در نتیجه همراهی و همسری پیامبر خدا برای کسی مقام عصمت نمی‌آورد و موجب نجات نمی‌شود؛ بلکه این تقوای الهی و عمل صالح است که ملاک سنجش قرار می‌گیرد، چه وابسته به پیامبر خدا باشی چه نباشی. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ». (۱۳/حجرات)

همچنین خداوند در سوره تحریم^{۱۶} آنجا که همسران لوط و نوح(ع) را برای افراد بدکار مثال می‌آورد، به خوبی می‌رساند که حتی اگر تحت تربیت پیامبر خدا هم باشید و خودتان خواهان هدایت و نجات نباشید، سودی به حال شما ندارد و از دوزخیان خواهید بود.

مفسرانی که «إِنَّمَا» را در این آیه نادیده گرفته‌اند، برای فرار از قبول حقیقت و تأیید عمل اسلاف خود مرتکب اشتباه شده‌اند.

نتیجه

از آنچه گفته شد می‌توان بر موارد ذیل به عنوان نتیجه بحث تأکید کرد:

- ۱- بنا بر اذعان دانشمندان علم بلاغت، واژه «إِنَّمَا» که در حقیقت برای «حصر» وضع شده است، در خبری به کار می‌رود که مخاطب نسبت به خبر نه جاهل است و نه منکر؛ یا اگر منکر است، انکارش با کمی توضیح برطرف می‌شود.
- ۲- آیه ۳۳ احزاب که به آیه «تطهیر» معروف شده است، از آیاتی است که واژه «إِنَّمَا» در آن آمده است. مفسران در مواجهه با واژه «إِنَّمَا» و تفسیر این آیه کریمه به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ مفسران شیعه «إِنَّمَا» را در آیه مورد بحث در معنای حقیقی و برای «حصر» دانسته‌اند. این دیدگاه تفسیری با آنچه فریقین در روایات شأن نزول آورده‌اند هماهنگی دارد. دیدگاه دوم، مربوط به برخی از مفسران اهل سنت است که ضمن اذعان به دلالت «إِنَّمَا» بر «حصر»، به دو دسته تقسیم

می‌شوند؛ برخی فقط همسران پیامبر(ص) و برخی دیگر افراد مذکور به اتفاق «آل‌عبا» را مصداق «اهل بیت» دانسته‌اند. گروه سوم، مفسرانی هستند که به طور کلی از موضوع «حصر» در آیه گذشته‌اند و هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارند.

۳- با توجه به سیاق آیه و ضمائر مذکر در آیه و عمل پیامبر(ص) در مورد «اهل کسا» و روایات متواتر شأن نزول این آیه در کنار حدیث ثقلین، و وجود دو انحصار در آیه (که قبلاً ذکر شد)، به دست می‌آید که «اهل بیت» جز «آل‌عبا» نیست. پس می‌توان دیدگاه مفسران شیعه را دیدگاهی صائب و دور از تعصبات مذهبی و فرقه‌ای دانست. در مقابل، عدم اشاره به دلالت «إنما» بر حصر در برخی از تفاسیر، خالی از شائبه‌ی گرایش‌های فرقه‌ای نیست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- طریق مخصوص یعنی طرق چهارگانه‌ای که در کتب بلاغی نام برده‌اند.
- ۲- قصر نیز در لغت و اصطلاح به همین معنا آمده است.
- ۳- عقل توییش از آنها نیست و عزت تنها برای آن است که عقلش بیشتر باشد.
- ۴- منم بازدارنده و حمایتگر پیمان و ناموس و تنها از دودمان و شرافت‌های آنان من یا مانند من پاسداری می‌کند.

- ۵- قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.
- ۶- مثل آیه ۱۰۸ سوره انبیاء «قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»
- ۷- مانند آیه ۱۱ بقره «...قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصَلِحُونَ» که «إنما» را برای حصر (رک: ابن حبان اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۰۰) و آیه ۹۳ توبه «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ...» که آن را برای حصر نمی‌داند، (همان: ۴۸۹)

- ۸- مانند آیه ۱۶۹ بقره «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ» (رک: نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۶)

۹- به عنوان مثال ذیل آیه ۱۷۳ بقره «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ...» می‌نویسد:
 «إِنَّمَا كَلِمَةُ آيٍ اسْتِ كِه بَرَاءِ حَصْرِ وَضْعِ شَدِيدَةٍ اسْتِ وَ مُتَضَمِّنِ نَفْيِ وَ اثْبَاتِ اسْتِ، دَرِ نَتِيْجَةِ اَنْجَحِهِ
 كِه ذَكَرَ شَدِيدَةً رَاءِ اثْبَاتِ وَ غَيْرِ اَنْ رَاءِ نَفْيِ مِي كُنْدِ. (همان: ۲۱۶)

۱۰- وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِيَّتٍ لَكُمْ وَهِيَ لَهُ نَاصِحَةٌ.
 ۱۱- إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمُ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدَعَلِي النَّارَ هُدًى.
 ۱۲- فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ
 نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمُ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (قصص/۲۹).
 ۱۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتش جهنمی که هیزم آن انسان‌ها و
 سنگ‌ها است حفظ کنید.

۱۴- برای آشنایی بیشتر با این روایات به تفاسیر روایی شیعه و سنی از جمله الدرالمثور سیوطی
 و نورالثقلین حویزی مراجعه کنید.

۱۵- إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثِقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ وَ هُوَ
 كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ
 الْحَوْضَ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۸)

۱۶- ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطَ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ
 فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ (تحریم/۱۰)

منابع

قرآن کریم.

۱- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت:
 دارالکتب العلمیة.

۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحریر و التنبیر، بی جا، بی جا: بی تا.

۳- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، چاپ
 اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.

- ۴- ابن کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ۶- اسفرائینی، عصام‌الدین، (۲۰۱۱)، الاطول فی البلاغة، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۷- الجرجانی، محمد بن علی، (۲۰۱۱)، الاشارات و التنبیہات، بی‌جا، قاهره: دار غریب.
- ۸- الحلبي، حسن، (بی‌تا)، حاشیة المطول، بی‌جا، قم: منشورات رضی.
- ۹- الدسوقي، محمد بن احمد بن عرفه، (بی‌تا)، حاشیة الدسوقي علی شرح العلامة التفتازانی علی المتن التلخیص، بی‌جا، اصفهان: مکتبة الشفیعی.
- ۱۰- السیالکوتی، عبدالحکیم، (بی‌تا)، حاشیة السیالکوتی علی المطول، بی‌جا، قم: منشورات رضی.
- ۱۱- السيد باقر الحسینی، سیدجعفر، (۱۳۸۸)، اسالیب المعانی فی القرآن، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۱۲- الصعیدی، عبدالمتعال، (۱۴۲۱)، بغیة الايضاح لتلخیص المفتاح، چاپ دوم، قاهره: مکتبة الادب.
- ۱۳- المغربي، ابی العباس احمد بن محمد، (۲۰۰۲)، مواهب الفتح فی شرح تلخیص المفتاح، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۱۴- اندلسی، ابوحيان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰)، البحرالمحیط فی التفسیر، بی‌جا، بیروت: دارالفکر.
- ۱۵- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، چاپ اول، بیروت: داراحیاءالتراث العربی.
- ۱۶- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، (۱۴۲۲ق)، المطول فی شرح تلخیص مفتاح العلوم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۱۷- تفتازانی، سعد الدین، (بی‌تا)، شرح مختصرالمعانی، بی‌جا، قم: کتاب فروشی کتبی نجفی.
- ۱۸- جرجانی، عبدالقادر، (۱۴۰۴ق)، دلائل الاعجاز، بی‌جا، قم: انتشارات ارومیه.

- ۱۹- رازی، فخرالدین محمدبن عمر، (۱۴۲۳ق)، مفاتيح الغيب، چاپ سوم، بيروت: داراحياء التراث العربی.
- ۲۰- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۱۹۸۹م)، نهاية الايجاز في دراية الاعجاز، چاپ اول، قاهره: المكتب الثقافی للنشر والتوزيع.
- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق و بيروت: دار العلم الدارالشامیة.
- ۲۲- زمخشری، ابوالقاسم محمودبن عمر، (بی تا)، اساس البلاغة، بی جا، بی جا: بی نا.
- ۲۳- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بيروت: دارالکتاب العربی.
- ۲۴- سیوطی، جلال‌الدین، (م/۱۴۰۸ق) معترك الاقران فی اعجاز القرآن، چاپ اول، بيروت: دارالکتب العلمیة.
- ۲۵- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۸ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بی جا، بی جا: منشورات رازی- بیدار؛ چاپخانه امیر.
- ۲۶- سیوطی، جلال‌الدین، (۲۰۰۱)، الاشباه و النظائر فی النحو، چاپ اول، بيروت: دارالکتب العلمیة.
- ۲۷- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۸- طباطبایی، سید محمد، (بی تا)، مفاتيح الاصول، بی جا، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۳۰- طبرسی، ابومنصور احمدبن علی، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.
- ۳۱- طبری، ابو جعفر محمدبن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بيروت: دارالمعرفة.
- ۳۲- طنطاوی، سید محمود، (بی تا)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی جا: بی نا.
- ۳۳- طوسی، شیخ محمدبن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بيروت: داراحياء التراث العربی.

- ۳۴- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۳ق)، اهل البيت في آيه التطهير، چاپ اول، بيروت: دارالامير للثقافة و العلوم.
- ۳۵- عاملی، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، الوجيز في تفسير القرآن العزيز، چاپ اول، قم: دار القرآن الكريم.
- ۳۶- عباس حسن، (بی‌تا)، النحو الوافي، بی‌جا، بی‌جا: بی‌نا.
- ۳۷- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، نورالثقلین، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۳۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العين، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- ۳۹- فضل عباس حسن، (۱۴۰۵)، البلاغة فنونها و افنانها، چاپ اول، عمان: دارالفرقان.
- ۴۰- فیومی، احمد عبدالنواب، (۱۴۲۶)، من ابواب البلاغة النحوية و البلاغية في القرآن الكريم، چاپ اول، قاهره: بی‌نا.
- ۴۱- فیومی، احمد بن محمد، (بی‌تا)، مصباح المنير، چاپ اول، قم: انتشارات هجرت.
- ۴۲- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۴۶ق)، الجامع لاحكام القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۴۳- قزوینی، خطیب، (۱۴۲۰ق)، الايضاح في علوم البلاغة، بی‌جا، قاهره: دارالکتب المصری.
- ۴۴- مفید، شیخ محمد بن محمد، (۱۴۲۴ق) تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ش) تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۶- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ش) آیات ولایت در قرآن، چاپ چهارم، قم: انتشارات نسل جوان.
- ۴۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش) پیام قرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات نسل جوان.
- ۴۸- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق) غرایب القرآن و رغائب الفرقان، چاپ اول، بيروت: دارالکتب العلمیه.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.